صحیحترین حدیثی که راویان مجالس دین و محدثان
مدارس یقین املا کنند حدیثیست که کلمات
تامه جامعه بر زبان معجز بیان حبیب خود گذرانیده
و آن را کلام کامل و خطاب شامل خود گردانیده
و بنقل روات ثقه بعد ثقه بگوش مهر و مان

از سعادت صحبت وی رسانیده و بنور علم
و عمل بموجب آن ظلمات ضلالتشان زدانیده
صلی الله علیه و آله نقله علومه و حفظ آدابه
این چهل کلمه ایست از آن کلمات
که بسهولت فهم و حفظ را بنظم فارسی ترجمه
کرده می آید امیدواری آنکه ناظم مترجم
امروز در شرط من حفظ علی امتی اربعین حدیثا
ینتفعون به داخل شود و فردا بسعادت
جزاء بعثه الله یوم القیمة فقیها عالما و اصل

ومن الله مکون الکون العصمة والعون

لا یؤمن احدکم حتی یحب لاخیه ما یحب لنفسه

[illegible]

[illegible]

من لا یرحم الناس لا یرحمه الله

[illegible]

[illegible]

المسلم من سلم المسلمون من لسانه و یده

مسلم آنکس بود بقول رسول | گرچه جایی بود و گر عالم

که بهر جا بود مسلمانی | بود از قول و فعل و سالم

خصلتان لا تجتمعان فی مؤمن البخل و سوء الخلق

[illegible]

[illegible]

الصبحة تمنع الرزق

[illegible]

[illegible]

دم علی الطهارة یوسع علیک الرزق

ای گرآلوده که تو شب و روز | فاقه و فقر تو زیاده شود

بی طهارت مباش تا بر تو | روزی تنگ تو گشاده شود

یشیب ابن آدم ویشب فیه خصلتان الحرص وطول الامل

آدمی را بپیری افزاید
هر زمان در بنای تن خلل

لیک در وی دو خصلت شود جوان
حرص جمع مال و طول امل

ان الله یحب السهل الطلق

[illegible]

[illegible]

الدنیا ملعونة ملعون ما فیها الا ذکر الله تعالی

هدف لعنت خدای آمد | دنیی و هر چه هست در وی

غیر ذکر خدا که صاحب ذکر | در دو عالم برحمت است اولی

اطلبوا الخیر عند حسان الوجوه

بر در خوب روی بر حاجت
چون ببایی بجستجوی ز دل

تا از آن پیش بر که حاجت تو
وجه از روی خوب پیش آید

لا یلدغ المؤمن من جحر واحد مرتین

هر که از روی مار گزیده شود
بار دیگر نبیند از آن رنج

بار دیگر ز مار گزند
بر کند مار از آن سوراخ

لعن عبد الدینار لعن عبد الدرهم

گر چه هست آفتاب رحمت حق | شامل ذره ذره عالم

باد ازان دور بندهٔ دینار | باد ازان دور بندهٔ درهم

كثرة الضحك تميت القلب

خرم آنکس که بود زنده دلش
خنده وا از لب ...

خنده کم کن که زنده دل باشی
صد دل زنده از ...

من اعطى لله ومنع لله واحب لله وابغض لله فقد استكمل ايمانه

هر که در حب و بغض و منع و عطا
بود در دل نیست ...

نقد ایمان خویش ...
... کامل

الجنة تحت اقدام الامهات

پیر زنان ما که کش تاج شرف | گردی از راه مادران باشد

خاک شو زیر پای او که بهشت | در قدمگاه مادران باشد

المجالس بالامانة

ای شده محرم مجالس راز
از سر مجلسی امانت ...

هست آن راز ... از مجلس
... امانت

طوبى لمن شغله عيبه عن عيوب الناس

ای خوش آن کو عیب ... خویش
... عیب ...

عیب او خویش ... دیده دل ...
...

المستشار مؤتمن

هر که در مشورت امین نبود | گرچه باشد امام روی زمین

چون نهان دارد آنچه مصلحت اوست | خوانیش خوان بحکم دین امین

السماح رباح

[illegible]

[illegible]

ليس الغنى عن كثرة العرض انما الغنى عن النفس

[illegible]

[illegible]

آفة السماح المن

کی نجابت شود کسی دل گرم | چون نجابت کند دم سردی

غیر باد خوان کرمت نیست | آفت روضه جوانمردی

خير الناس انفعهم للناس

ای که پرسی که بهترین کس کیست
گویم از قول احسن [illegible]

بهترین کس کسی بود که از او
[illegible]

من حسن اسلام المرء تركه ما لا يعنيه

تا شود در جهان علم [illegible]
[illegible]

[illegible]

كفى بالموت واعظا

چند گیری بمجلس واعظ | پای منبر پی گرفتن پند

وخطا تو بس بزرگ همپایه | نوحه گر بانگ بلند

الكلمة الطيبة صدقة

[illegible]

[illegible]

كفى بالمرء اثما ان حدث بكل ما سمع

[illegible]

[illegible]

الحزم سوء الظن

حزم مردان بود که در همه وقت | در حق خلق بدگمان باشد

در همه کار احتیاط کند | تا ز هر کید در امان باشد

تهادوا تحابوا

[illegible]

[illegible]

النظرة سهم مسموم من سهام ابليس

[illegible]

[illegible]

زر غبا تزدد حبا

دیدن دوست دوست را که گهی | چهرهٔ دوستی بیاراید

زاتفاق دوام صحبتشان | شوق گاه ملالت افزاید

العدة دین

[illegible]

[illegible]

لیس الشدید بالصرعة انما الشدید الذی یملک نفسه عند الغضب

[illegible]

[illegible]

الدین شین الدین

گمشد بهر مال دنیی رنج | هرکه خواهد کمال بهره دین

چهره دین مکن بناخن دینا | تا نگاه جمال چهره دین

لا یشبع المؤمن دون جاره

[illegible]

[illegible]

الغنی الیأس مما فی ایدی الناس

[illegible]

[illegible]

القناعة مال لا ینفد

صاحب حرص از خوان کرم | فیض احسان نبرد هرگز

شجاعت گرامی کان مایست | که پایان نبینه پدید هرگز

البلاء موکل بالمنطق

هر که شد بسته بلا به گویان
بیلای عجب سر شما بیت

هر بلایی که بسر پیچ بسان
بیشتر از نطق و گفتار است

من لم یشکر الناس لم یشکر الله

نعمت ز دوست گرچه رسید
لیک از آن شکر کردن لابد است

گر ازان شکر تو آرایی سر
نه بی شکر بنده حق ادا است

السعید من وعظ بغیره

نیکبختان کسی که می بند | رشک بر نیکبختی دگران

نیکبختی ز روزگار ندید | پند گیرد ز نیکبختی دگران

العلم لا یحل منعه

هر کرا نان بی برد و دانشه
حق را علم دین شد معلوم

بست چو در ازان شود مانع
منتهی از دوزخ تن مظلوم

تمت ترجمة حدیث الاربعین	و دو نیستش ز موج خیز ناظر معین
سید چو تمع و شایق ز آنها یه	تمع الله بها کل فریق و فی

والحمد لله علی الاتمام والصلوة والسلام علی محمد وآله الکرام

اربعینهای پاکان جایی	بیت بهر وصول صدر قبول
بود از فضل حق عجیب و غریب	که بدین اربعین رسی بوصول

کتبه العبد الحقیر المذنب احمد الحسنی المشهدی
الکاتب غفر الله ذنوبه و ستر عیوبه